جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | داریوش ارجمند (بازیگر) | داود میرباقری (فیلمساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

جشنواره عمار به ایستگاه شانزدهم رسید. این جشنواره امسال علاوه‌بر فراخوان بخش داخلی، در بخش بین‌الملل نیز با شعار «آمریکا؛ میدان‌دار جنایت» آغاز به کار کرد. زمان برگزاری این دوره جشنواره عمار و نمایش آثار برگزیده، مانند هر سال در نیمه اول دی‌ماه خواهد بود. به همین مناسبت با مرضیه هاشمی (دبیر) و محمدحسین صبوری (دبیر اجرائی) شانزدهمین جشنواره عمار به گفت وگو پرداختیم.

رسالت عمار؛ برجسته‌سازی پیام مقاومت

مرضیه هاشمی، که بیشتر به عنوان گوینده خبر شبکه پرس‌تی‌وی شناخته می‌شود، برای دومین دوره پیاپی دبیری جشنواره مردمی عمار را عهده‌دار شد. درباره این دوره از جشنواره عمار با وی گفت وگو کردیم.

طی دو سال اخیر، تحولات منطقه و واکنش ایران چه تاثیری بر فضای فرهنگی و جشنواره امسال داشته است؟

فکر می‌کنم غرور ملی امروز بیش از گذشته است. همه دیدیم که در این دو سال چه اتفاقاتی رخ داد و ایران چگونه پاسخ آن رژیم و همچنین آمریکا را داد. این واقعاً یک افتخار است؛ هیچ کشور دیگری- البته غیر از یمن که ماشاءالله با وجود محدودیت‌های خودش عملکرد قابل‌توجهی داشته- چنین پاسخی نداده است.

ایران با این قدرت، بدون ترس، به آن رژیم حمله کرد و برای تمام دنیا تبدیل به الگو شد. این یک واقعیت است که سال گذشته در سطح جهانی دیده شد.

این فضای جدید چه تاثیری بر جشنواره و هنرمندان داشته است؟

این اتفاقات باعث شد نیاز به اتحاد کشورهای محور مقاومت بیشتر احساس شود. هنرمندان و فعالان فرهنگی هم بیش از پیش متوجه شدند که هنر چقدر می‌تواند مؤثر باشد. ما سال گذشته دیدیم که در فضای مجازی چقدر اثرگذاری ایجاد شد؛ فرقی نمی‌کرد هنرمندان در یمن باشند یا عراق، لبنان یا ایران. این جریان در همه‌جا خودش را نشان داد.

با توجه به این شرایط، جشنواره امسال چه وضعیتی دارد؟

الان واقعاً ما احساس می‌کنیم که باید سریع‌تر و بهتر کار کنیم. به نظرم اکنون یک زمان طلایی، یک فرصت استثنایی برای ماست؛ فرصتی برای اینکه پیام مقاومت را بهتر منتقل کنیم و اجازه ندهیم این انرژی و موج بزرگ جهانی از دست برود.

گفت‌وگو با مرضیه هاشمی، دبیر جشنواره مردمی فیلم عمار و محمدحسین صبوری، دبیر اجرائی این جشنواره

فرصت طلایی برای بازتاب هنرمندانه تصویر مقاومت

محمد محمدی

این همان پیام اصلی مقاومت است که جشنواره هم تلاش می‌کند آن را برجسته کند.

سه موضوع اصلی عمار

در ادامه محمدحسین صبوری، دبیر اجرائی شانزدهمین جشنواره عمار، درباره برنامه و بخش‌های اصلی این رویداد توضیح داد.

جشنواره عمار امسال چه تغییراتی در موضوعات و قالب‌ها داشته است؟

جشنواره عمار هر ساله خودش را با اتفاقات سال پیش‌رو به‌روزرسانی می‌کند و نمی‌تواند نسبت به تحولات جامعه بی‌تفاوت باشد. امسال نیز با توجه به جنگ تحمیلی‌ای که اشاره کردید و سایر اتفاقاتی که عمدتاً در حوزه درگیری و نزاع ما با کلیت تمدن غرب بوده، در موضوعات ۱۱گانه جشنواره تغییراتی ایجاد کرده‌ایم.

سه موضوع «دژ دانش»، «اتحاد مقدس» و «نبرد تمدنی ایران اسلامی با غرب» به محورهای اصلی اضافه شده‌اند. جزئیات این موضوعات در فراخوان رسمی جشنواره منتشر شده و توضیح داده‌ایم که هر محور شامل چه زیرموضوعاتی است.

در بخش قالب‌ها نیز همان‌طور که سال گذشته بخش تولیدات ویدیویی مبتنی بر هوش مصنوعی و صفحات مجازی را داشتیم، امسال نیز این دو بخش حفظ شده‌اند و تولیدکنندگان آثار هنری می‌توانند در هر دو بخش آثارشان را ارسال کنند.

سال گذشته جشنواره تأکید زیادی بر روایت فعالیت‌های مردم‌پایه در جهان داشت. امسال نیز همین رویکرد ادامه دارد؟

بله، سال گذشته تأکید اصلی ما بر روایت فعالیت‌های مردم‌پایه در مقابله با جنایات غرب و رژیم صهیونیستی بود؛ فعالیت‌هایی که در کشورهای مختلف، قاره‌های مختلف و از سوی مردم با مذاهب و مکاتب گوناگون شکل گرفته بود.

برای ثبت و روایت این بیداری جهانی، طبیعی بود که نباید به مرزهای جغرافیایی ایران محدود می‌ماندیم. به همین دلیل بخش بین‌الملل جشنواره همزمان با بخش فارسی فراخوان داد و آثار زیادی از خارج کشور دریافت شد؛ جشنواره در بخش بین‌الملل محدود به تولیدات داخل ایران نبود.

آمار آثار امسال در بخش بین‌الملل چگونه است؟

با توجه به اینکه امسال فراخوان بخش بین‌الملل در ۱۸ آبان‌ماه منتشر شده، هنوز ثبت نهائی آثار انجام نشده و آمار دقیق و تفکیکی در دست نیست. سال گذشته به دلیل شناختی که در خارج از کشور نسبت به جشنواره به‌وجود آمده بود، آثار بین‌المللی خوبی داشتیم.

اما امسال، چون فراخوان تازه منتشر شده، هنوز امکان ارائه آمار وجود ندارد و در ادامه مسیر و با نزدیک‌تر شدن به زمان برگزاری جشنواره آمار دقیق اعلام خواهد شد.

دومین دوره پیاپی دبیری جشنواره مردمی عمار را عهده‌دار شد. درباره این دوره از جشنواره عمار با وی گفت وگو کردیم.

طی دو سال اخیر، تحولات منطقه و واکنش ایران چه تاثیری بر فضای فرهنگی

نگاهی به فیلم «آدم‌فروش»

آیا تصویربرداری همان کارگردانی است؟!

سجاد نجاتی

فیلم آدم‌فروش با نام قبلی «تابستان همان سال»، بیش و پیش از آنکه فیلم «کارگردانی» باشد، فیلم «تصویربرداری» است. انواع و اقسام قاب‌بندی‌ها و حرکت دوربین‌ها و زیبایی‌های بصری خوش‌آب‌ورنگی که جابه‌جا در فیلم موج می‌زند، در واقع نتیجه حضور محمود کلاری فیلمبردار باسابقه سینمای ایران در این سومین ساخته سینمایی او در مقام کارگردان است.

و این خیلی عجیب و البته تأثرآور است که آدم‌ها در سینمای ایران سر جای خودشان نمی‌نشینند و نمی‌ایستند و کار نمی‌کنند! نتیجه‌اش «آدم‌فروش» است؛ یک فیلم به‌شدت کشدار و با ریتم کند و خفه‌کننده که هم فیلمنامه ایرادهای جدی و حفره‌های عمیق و عظیمی دارد و هم در بازی‌ها و هم اساساً با فقدان «میزانسن» به معنای دقیق و درست کلمه روبه‌روست. و اینها همان چیزهایی است که نمی‌شود جای خالی یا جای غلط‌شان را حتی با حضور چند لحظه‌ای مهران مدیری و آوردن اسمش در تیتراژ فیلم، پر و روفو کرد!

فیلم «آدم‌فروش» داستان عطای هفت‌ساله است که او را پیش یک رمال آینه‌بین می‌برند تا طی مراسمی دزد طلاهای عمه‌اش را در آینه شناسایی کند، عطا که هیچ تصوری از سرانجام آنچه در آن شرایط بر زبان می‌آورد ندارد، برای رهایی از آن وضعیت، هر آنچه از تعاریف عمه‌اش درباره شک و تردید او نسبت به دزدی داوود پسرعمه دیگرش شنیده را بازگو می‌کند، غافل از آنکه این دروغ موجب عقوبتی دور از انتظار برای کل خانواده می‌شود.

همه می‌دانیم محمود کلاری که در عرصه عکاسی و سپس فیلمبرداری در سینما به یکی از نخبگان نور و تصویر در سینما معروف است و تنها ایرانی برنده جایزه قورباغه نقره‌ای و نامزد قورباغه طلایی جشنواره کمرا ایمیج لهستان برای فیلم جدایی نادر از سیمین است در سومین تجربه کارگردانی خود به سراغ یک داستان متفاوت رفته و آدم‌فروش را با رویکردی تصویرگرانه و شاید برای ارجاع‌هایی به تجربه چهل‌ساله خودش در سینما (آن‌گونه که خودش هم اذعان می‌کند) ساخته اما سؤال اینجاست که آیا فیلم آدم‌فروش در نهایت به چنین دستاوردی نایل آمده و چنین ذهنیتی پس از تماشایش در ضمیر مخاطب باقی می‌ماند یا نه؟

فیلم البته ایرادهای فنی و فیلمنامه‌ای و شخصیت‌پردازانه و میزانسنی کم ندارد؛ چرا روند فیلم این‌قدر کند است و خسته‌کننده. چرا داودِ محبوب در پایان آن‌هم با چنین رویکرد رادیکال و محیرالعقولی ناگهان و با یک نریشن منفور می‌شود و یا این‌که وقتی سرنوشت همه شخصیت‌ها بازگو و تصویر می‌شود از پدر و مادرش خبری نیست. ضمن اینکه آن اشاره تصریحی و نه تلویحی به سال ۱۳۳۲ و تابستان آن‌سال و کودتای ۲۸ مرداد هم یکی از وصله‌های به‌شدت نچسب و نابجا و پا در هوای فیلم است که هیچ تأثیر خاصی بر روال فیلم ندارد.

خود کارگردان مدعی است و می‌گوید: «واقعیت امر این است که من سعی کردم در این فیلم قصه‌گو باشم؛ دقیقاً مانند مادربزرگ خودم. همچنین تلاش کردم ۹۰ دقیقه برای مخاطبان قصه تعریف کنم زیرا در سینمای ما اکنون قصه‌گویی رنگ باخته است.»

و نیز معتقد است: «هیچ تدبیری برای ریتم کند یا تند فیلم نداشتیم. بر اساس تجربه ۴ دهه ارتباط با افراد مختلف و آموختن از همه آنها، فکر کردم که در ارتباط با موضوع باید فیلم ساخت و ریتم تند و کند به برداشت مخاطب روز بستگی دارد. این را از من بشنوید که دستکاری در این مقوله به فیلم ضربه می‌زند. فیلمی که فطرت کندی دارد، هیچ‌گونه تند نمی‌شود و فیلم با مضمون و محتوای هر سکانس ریتم می‌گیرد. درنهایت به نظرم فیلم ریتم متناسب با خودش را دارد. بافت قدیمی شهر در حال خراب شدن است و جای خود را به یک معماری بی‌هویت می‌دهد. من متولد و بزرگ شده تهران هستم و ریشه خانوادگی‌ام به شمال تهران بازمی‌گردد. نیما یوشیج با پدربزرگ من همشهری بودند و شعری از نیما درونمایه اصلی فیلم من بود. الفت و مناسبات و آن جنس از روابط دیگر به شکل قابل‌توجهی رنگ باخته است و درس‌ها و روابط این فیلم جهانی را تصویر می‌کند که به سالیان رشد نسل ما بازمی‌گردد.»

اما همه این توضیحات و توصیفات و الحاقات بعدی و پساتولیدی به فیلم هم نمی‌تواند هیچ‌کدام از خلل‌ها و نقایص عمده و اساسی فیلم را جبران و لاپوشانی کند و از فیلمبردار باتجربه‌ای همچون جناب محمود کلاری خیلی عجیب است که دست به دامان چنین توجیهات و توضیحاتی برای معایب عمده و عجیب فیلم به‌خصوص در حوزه فیلمنامه، شخصیت‌پردازی، کمیت و کیفیت و بار دراماتیک و سایر عناصر مهم و سرنوشت‌ساز سینمایی در این فیلم شود!

آدم‌فروش فیلم نابه‌جایی است؛ به این معنا که می‌خواهد همه‌چیزش را مرهون و مدیون فیلمبرداری و نماهای زیبا و قاب‌بندی‌های خیره‌کننده و کلیپ‌های تصویری مسحورکننده‌اش (که البته چنین هم نیست متأسفانه) باشد و یا اینکه با ترفندهای نه‌چندان اخلاقی و شایسته‌ای همچون آوردن بازیگری مثل مهران مدیری با آن وضعیت نشسته و بی‌حرف و زمخت و چند لحظه‌ای‌اش، و مانور تبلیغاتی روی نام او، لابد مخاطب عام را فریب دهد و به سالن بکشاند و مابقی قضایا!

و بدیهی است فیلمی که با چنین فرم و چنان رویکردهایی قصد جذب مخاطب داشته باشد، شکست می‌خورد؛ نه فقط در سینما که در خیلی چیزهای دیگر هم!

نگاهی به پویانمایی «فرمانروای آب»

آبان، قهرمان آب و حیات

رضا جعفریان

سینمای انیمیشن ایران در سال‌های اخیر با تکیه بر دانش و توانمندی هنرمندان متعهد داخلی، گام‌های بلندی به سوی قله‌های پیشرفت برداشته و اثر سینمایی «فرمانروای آب» یکی از تازه‌ترین مصادیق این ادعاست.

این اثر به کارگردانی مجید اسماعیلی و تهیه‌کنندگی و مدیریت هنری علی نوری اسکویی، فراتر از یک محصول سرگرم‌کننده، پروژه‌ای بلندپروازانه و نمادی از «ما می‌توانیم» در عرصه هنر-صنعت انیمیشن است که نخستین‌بار در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر رونمایی شد و با شایستگی سیمرغ بلورین بهترین انیمیشن را از آن خود کرد تا نقطه عطفی در تاریخ پویانمایی کشور رقم بزند.

«فرمانروای آب» بیانیه‌ای از بلوغ فنی و هنری پویانمایی ایران است که با کیفیتی هم‌تراز با استانداردهای جهانی، ثابت می‌کند هنرمندان ایرانی ظرفیت خلق دنیاهای فانتزی و حماسی عظیم را دارا هستند؛ اثری که با هوشمندی و درایت، به جای تقلید کورکورانه از الگوهای غربی، دست به دامان گنجینه غنی اساطیر و قصه‌های کهن ایرانی شده و روایتی جهان‌شمول از نبرد ازلی خیر و شر را به تصویر می‌کشد که هم برای مخاطب داخلی، دارای هویتی آشنا و غرورآفرین است و هم برای تماشاگر خارجی، جذابیتی توأم با شگفتی دارد. داستان این اثر در سرزمینی باستانی روایت می‌شود که در چنگال خشکسالی و بحرانی بزرگ گرفتار شده است؛ جایی که اهریمنی قدرتمند با غصب سرچشمه‌های حیات، مردم را به ورطه نابودی کشانده است و در این میان جوانی به نام «آبان» از قبیله‌ای فراموش‌شده، با کشف نیروی درونی خود و ارتباطش با عنصر آب، سفری پرخطر را برای احقاق حق و بازگرداندن حیات به سرزمینش آغاز می‌کند تا به فرمانروای حقیقی آب بدل شود.

آنچه در این میان بیش از همه تحسین‌برانگیز می‌نماید، کیفیت خیره‌کننده بصری و فنی اثر است؛ از طراحی دقیق شخصیت‌ها و موجودات افسانه‌ای گرفته تا خلق فضاهای وسیع و پویا، همگی نشان از دقت نظر سازندگان دارد و جلوه‌های ویژه مربوط به عناصر طبیعی و جادویی، سطحی نوین را در تولیدات داخلی به نمایش می‌گذارد.

نکته حائز اهمیت آن است که فیلمساز با فاصله گرفتن از کپی‌برداری‌های رایج، فضائی نزدیک به اتمسفر حماسی شاهنامه فردوسی خلق کرده و موسیقی متن باشکوه اثر نیز در خدمت همین هویت فرهنگی قرار گرفته تا حس حماسه و امید را به مخاطب منتقل کند. اگرچه ممکن است الگوی روایی فیلم شباهت‌هایی به کهن‌الگوی کلاسیک «سفر قهرمان» داشته باشد و برای برخی مخاطبان حرفه‌ای ژانر فانتزی، مسیری آشنا به نظر برسد، اما بومی‌سازی این الگو و دمیدن روح ایرانی در کالبد آن، ارزشی است که نمی‌توان نادیده گرفت؛ هرچند انتظار می‌رفت شخصیت‌های فرعی نیز همپای قهرمان داستان، از عمق و پرداخت بیشتری برخوردار می‌شدند.

در نهایت، «فرمانروای آب» دستاوردی بزرگ و مایه مباهات برای سینمای ایران است که نشان می‌دهد فرزندان این سرزمین توانایی رقابت در عرصه‌های بین‌المللی و تولید آثار استاندارد، جذاب و مبتنی بر فرهنگ خودی را دارند؛ گامی محکم که نویدبخش آینده‌ای روشن برای رسیدن انیمیشن ایران به جایگاه واقعی‌اش در جهان است.

زنگ مجازی- جنگ ترکیبی

امنیت ملی در عصر پساجنگ ۱۲روزه

عزیزالله محمدی (امتدادجو) (بخش دوم)

در ادامه سلسله مباحث دیالکتیک جنگ ۱۲روزه و بررسی این نظریه از زوایای تاثیرگذاری بر شئون مختلف ساختارهای شناخته‌شده در ایران و سرزمین‌های اشغالی، آنچه که در یادداشت قبلی از نظر گذشت؛ موضوع «امنیت ملی» در دو طرف جنگ بود که براساس شاخص‌های سنجش جدید(کمی و کیفی) به وجود آمده از فرآیند جنگ، نگاه راهبردی بر این ۱۲روز موجب تحول در محاسبات امنیت ملی طرفین جنگ را مطابق آنچه که نسبت به نظریه دیالکتیک گفته شد به وجود آورده.

بر همین مبنا تحول در محاسبات امنیت ملی برای ایران(تأیید کارایی راهبرد «بازدارندگی از طریق تهدید»، ضرورت توسعه «قدرت هوشمند» ترکیبی و لزوم تقویت «تاب‌آوری همه‌جانبه») را به همراه داشته و برای رژیم صهیونیستی(لزوم بازنگری در «دکترین امنیتی بن‌گوریون» و ضرورت توسعه «بازدارندگی چندلایه» و همچنین نیاز به«راهبرد امنیتی جامع‌تر») را برجسته ساخت.

همچنین ذکر شد؛ این تحولات نشان می‌دهند که محاسبات امنیت ملی ضمن آنکه از «خطی و قابل پیش‌بینی» به «پیچیده و پویا» بودن تغییر یافته‌اند، بلکه به طور حتم نیازمند نگرش سیستمی و همه‌جانبه در قالب جنگ‌های ترکیبی و ادراکی نیز هستند که در ادامه به این مباحث از منظرهای «تاب‌آوری» و «نقش فناوری‌های نوین» بیشتر می‌پردازیم.

تحلیل‌های موجود بعد از جنگ، بازگوکننده آن است که در تعیین نتایج جنگ‌های مشابه جنگ ۱۲روزه و ذیل موضوع امنیت ملی، علاوه‌بر تاب‌آوری امنیت ملی، نقش فناوری‌های نوین نیز حائز جایگاه ویژه و نقش تعیین‌کننده‌ای است.

تاب‌آوری امنیتی- اقتصادی و اجتماعی

ابعاد تاب‌آوری امنیت ملی پس از جنگ می‌تواند شامل «تاب‌آوری اقتصادی- امنیتی» و تاب‌آوری «اجتماعی- امنیتی» باشد که هر کدام تابع مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مختص به خود هستند.

مؤلفه‌های تاب‌آوری اقتصادی- امنیتی را می‌توان ذیل موضوعاتی مثل تامین مالی امنیت، زنجیره تامین و تحریم‌پذیری شناخت که در نسبت با وضعیت پیش از جنگ و پس از جنگ در مسیر تحول قرار گرفتند. در وضعیت پیش از جنگ مؤلفه «تامین مالی امنیت ایران» وابستگی معناداری به درآمدهای نفتی داشت و پس از جنگ تفکر توسعه مدل‌های مالی پایدار می‌تواند راهکار راهبردی مناسب‌تری باشد.

کارشناسان مولفه «زنجیره تامین» در وضعیت پیش از جنگ را استوار بر واردات‌محوری می‌دانند که در وضعیت پس از جنگ توسعه تولید داخلی، راهبرد تحول‌ساز این مؤلفه می‌تواند باشد و همچنین مؤلفه «تحریم» نیز بازگوکننده آن است که در وضعیت پیش از جنگ، آسیب‌پذیری زیادی می‌تواند وجود داشته باشد که به‌طور قطع در مقابل آن باید راهبرد افزایشی مقاومت ایجاد کرد.

هر کدام از راهبردهای پس از جنگ در مسیر تقویت و عینیت یافتن به ترتیب می‌توانند از راهکارهای مثل ایجاد صندوق امنیت ملی، ایجاد شبکه‌های تامین امن و توسعه مبادلات مالی جایگزین بهره بگیرند.

تاب‌آوری اجتماعی- امنیتی از دو فاکتور مؤثر و تعیین‌کننده تبعیت دارد که «انسجام اجتماعی» و «تاب‌آوری روانی» این فاکتورها را شامل می‌شود.

انسجام اجتماعی بر مبنای ساختارهای موجود جامعه در این مرحله باید براساس تقویت«سرمایه اجتماعی» در برابر تهدیدات خارجی صورت بگیرد و سپس با استفاده از ایجاد فضا به موضوع افزایش «اعتماد عمومی» به دستگاه امنیتی توجه داشته و در نهایت، توسعه «فرهنگ مقاومت» در سطوح مختلف جامعه را ترسیم و تبیین سازد.

دومین فاکتور مؤثر ذیل تاب‌آوری اجتماعی- امنیتی « تاب‌آوری روانی» است که لازمه‌های چون کاهش «هراس جمعی» از تهدیدات، افزایش «تحمل‌پذیری» در شرایط بحران و تقویت «روحیه مقاومت» در برابر جنگ روانی را می‌طلبد و به شدت وابسته به این موارد است.

نقش فناوری‌های نوین در تحول امنیت ملی

مسلم است که با میل و گرایش روزافزون بشر به ایجاد تحول در رفع نیازهای خود و بروز و ظهور فضای هوش مصنوعی و با ایفای نقش فناوری‌های نوین، بستر شکل‌گیری جنگ‌ها و جنگ ۱۲روزه نیز متأثر از این میل و گرایش و قدرت روزافزون می‌تواند باشد.

نقش فناوری‌های نوین در تحول امنیت ملی براساس تجاربی که تاکنون کسب شده و در ۱۲روز جنگ خود را نمایان ساخت در چند حوزه به‌طور عینی نمایان شد.

حوزه اول «هوش مصنوعی و کلان داده‌ها» بود که با توسعه سامانه‌های پیش‌بینی تهدید، تحلیل رفتار دشمن با الگوریتم‌های پیشرفته و بهینه‌سازی تصمیم‌گیری‌های امنیتی به وجود آمد.

حوزه دوم «فناوری‌های هایپرسونیک» بود شکلی متفاوت از جنگ را با ویژگی‌های خاص خود از جمله، کاهش زمان واکنش به چند دقیقه، بی‌اثر کردن سامانه‌های دفاع موجود و ایجاد بازدارندگی کیفی جدید، نشان داد.

حوزه سوم «جنگ سایبری- فیزیکی» است که کماکان ادامه دارد و مواردی چون، توانایی اختلال در زیرساخت‌های حیاتی دشمن، تلفیق حملات سایبری و عملیات‌های نظامی و ایجاد اثرات راهبردی بدون درگیری مستقیم را برجسته ساخته است.

و حوزه چهارم «فناوری کوانتومی» است که رمزنگاری امن غیرقابل نفوذ، حسگرهای فوق‌پیشرفته برای شناسایی و محاسبات سریع برای شبیه‌سازی میدان نبرد را ترسیم می‌کند.

اثرگذاری حوزه فناوری

اگر خواسته باشیم اثرگذاری هر کدام از چهار حوزه برشمرده‌شده را به طور کیفی بسنجیم، می‌توانیم هر کدام را با تاثیرگذاری بر «بازدارندگی»، تاثیرگذاری بر «دفاع» و تاثیرگذاری بر «آگاهی موقعیتی» بسنجیم که در مقدار کیفی (بسیار بالا، بالا، متوسط و پایین) قابل سنجش می‌باشند.

تحول شکل یافته از درک امنیت ملی در چارچوب نظریه دیالکتیک چرخه‌ای را به وجود می‌آورد که این چرخه به طور مستمر خود را به حرکت درمی‌آورد. این چرخه با شناخت تهدید جدید آغاز و با الزام به نیازمندی امنیتی روی به توسعه فناوری می‌آورد و سپس با تغییر دکترین به توانمندی جدید به تحول تهدید می‌رسد.

راهبرد و شاخص‌های کلان تاب‌آوری امنیتی

با در نظر گرفتن چرخه مرتبط به «دیالکتیک امنیتی در حوزه جنگ ۱۲روزه» آنچه پیش‌رو قرار می‌گیرد، راهبردهای کلان برای تاب‌آوری امنیتی است که این راهبردها و شاخص‌های سنجش آن را چنین می‌توانیم بازبشناسیم:

راهبرد «اکوسیستم نوآوری امنیتی» با ایجاد مراکز تخصصی، توسعه استارتاپ‌های فناوری دفاعی و تشکیل صندوق‌های خطرپذیر امنیتی.

راهبرد «آمایش سرزمینی امنیتی» با پراکندگی جغرافیایی مراکز حیاتی، توسعه شهرهای زیرزمینی و ایجاد کریدورهای امن ارتباطی.

راهبرد «آمادگی همه‌جانبه ملی» با آموزش همگانی مقابله با تهدیدات، توسعه سپرهای دفاعی لایه‌ای و تمرین‌های منظم مدیریت بحران.

شاخص‌های سنجش تاب‌آوری امنیتی با در نظر گرفتن دو نوع شاخص «سخت و نرم» ذیل جنگ‌های ترکیبی و اتخاذ راهبرد جنگی هر کدام با اصول ساختاری و محتوایی مجزا از هم قابل شناخت و معرفی هستند.

شاخص‌های سخت دارای زمان بازیابی زیرساخت‌های حیاتی، درصد خودکفایی در فناوری‌های حیاتی و عمق پدافندی در برابر تهدیدات هستند و شاخص‌های نرم، با سطح اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی، میزان مشارکت مردمی در امنیت ملی و کیفیت تصمیم‌گیری در شرایط بحران سنجیده می‌شوند.

با در نظر گرفتن راهبردهای تحولی امنیتی صورت‌پذیرفته از مجموع نتایج شناختی که موقعیت جنگ ۱۲روزه در وجوه چندوجهی و ترکیبی به وجود آورد؛ سناریوهای آینده تاب‌آوری امنیتی می‌تواند در قالب سناریوهای (بهینه، محتمل و بحرانی) تعریف شود.

سناریوهای آینده تاب‌آوری امنیتی

«سناریوی بهینه» همان‌گونه که از نامش پیداست؛ می‌تواند بهترین سناریو باشد و مواردی چون، دستیابی به برتری فناورانه در حوزه‌های کلیدی، ایجاد شبکه‌های امنیتی تاب‌آور و توسعه مدل‌های پیش‌بینی تهدیدات را دربر دارد.«سناریوی محتمل» با فرضیات ممکن، رقابت فناورانه فشرده با دشمن، توسعه نامتوازن توانمندی‌ها و افزایش هزینه‌های امنیتی را در بطن خود جای داده.

«سناریوی بحرانی» نیز که شکل عینی و مصداقی خود را در جنگ ۱۲روزه نشان داد؛ بازگوکننده شکاف فناورانه با رقبا، کاهش تاب‌آوری اقتصادی و افزایش آسیب‌پذیری اجتماعی است که با یک نگاه کلی به بحث صورت گرفته می‌توانیم به یک جمع‌بندی در این حوزه تحت عنوان «تاب‌آوری امنیت ملی در عصر جدید» (پساجنگ ۱۲روزه) برسیم.

مطابق با تعاریف شناخته‌شده جنگ ترکیبی و نظریه دیالکتیک که تاکنون به آن اشاره شده در تاب‌آوری امنیت ملی در عصر جدید، ما نیازمند به تحول در نگرش از امنیت سنتی به امنیت هوشمند، سرمایه‌گذاری کلان در فناوری‌های تحول‌آفرین، توسعه همه‌جانبه توانمندی‌های ملی و تقویت پیوسته سرمایه اجتماعی هستیم تا این تحول، امنیت ملی را از «حفظ وضع موجود» به «شکل‌دهی آینده مطلوب» سوق دهیم...

ادامه دارد